





**پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق
گرایش جزا و جرم شناسی**

**مقایسه جرم محاربه و بغی در
فقه و حقوق کیفری**

استاد راهنما :

دکتر حسین نمازی فر

استاد مشاور :

دکتر اکبر نایب زاده

طلبه :

یعقوب عبدالهی دهکی

بهار ۱۳۹۰

مقایسه جرم محاربه و

بغی

در فقه و حقوق کیفری

تقدیم به :

تقدیم به پیشگاه اقدس احدیت و ساحت
قدس حضرت صاحب الزمان روحی لثراب مقدمه
الفداه و روح پر فتوح امام امت(ره) و شهیدان
گلگون کفن از صدر اسلام تا کنون و مقام معظم
رهبری و اساتید بزرگوار و دانش پژوهان گرامی
و پدر و مادر عزیز و مهربان و فرزندان و همسر
فداکارم و تمام کسانی که در جهت اعتلای جامعه
ی اسلامی صادقانه در تلاش اند.

سپاس ...

سپاس و حمد خداوند متعال را که ستایش مخصوص اوست
که انسان را آفرید و عقل و اختیار را به او بخشید و بدین سان
آدمی به خداشناسی و خودشناسی دست پیدا کرد تا اشرف
مخلوقات گردد. و سپاس خدای را که گل وجودم را با محبت آل

اللَّهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سرشت و برجسم بی جانم روح دمید و مرا شایسته ی بندگی خویش قرار داد.

به مصداق کلام شریف «من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق» برخورد فرض می دانم، از امام راحل رحمته الله و شهدای گلگون کفن میهن اسلامیم که ثمره ی بزرگ مردی و ایثار ایشان، تحصیل ما جوانان در این مرز و بوم را فراهم آورده و در امنیت و آسایش روزافزون می باشیم سپاسگزاری نمایم، از اساتید فرهیخته و بزرگوار جناب آقای دکتر نایب زاده و دکتر نمازی فر، که با صبر و محبت فراوان، اینجانب را از گنجینه علم خویش و رهنمودهای شان بهره مند ساخته و مرا در نگارش این اثر یاری نمودند و جناب حاج آقای حسینی نژاد و اساتید محترم جامعه المصطفی العالمیه و مسئولین محترم کتابخانه امام صادق(ع) حوزه علمیه قزوین و کتابخانه دادگستری کل استان قزوین تشکر و قدردانی می نمایم. از پدر و مادر بزرگوارم که با فداکاری خود زمینه تحصیل اینجانب را فراهم کرده اند و از همسر و فرزندانم که پیوسته مشوق اینجانب در کسب علم بوده و در کوتاهی خدمت به آنان همواره صبر پیشه کرده اند نهایت تقدیر و تشکر را دارم.

چکیده :

قرآن کریم بعنوان کتاب آسمانی و قانون حاکم بر جامعه اسلامی در آیات شریفه ۳۳ سوره مبارکه مائده و ۹ سوره حجرات به بیان احکام محاربه و بغی پرداخته است. محاربه از ریشه حرب به معنای جنگ و غارت اموال و بغی به معنای تجاوز کردن از حد اعتدال می باشد. برای تحقق هر جرمی به ۳ عنصر نیاز می باشد یعنی عنصر مادی، قانونی، معنوی که در این دو جرم عناصر تشکیل دهنده آن ذکر گردیده است. وجوه اشتراک و افتراق این دو جرم عبارتند از اینکه هر دو جرمند و هر دو از یک نگاه جنبه سیاسی دارند و محاربه اقدام علیه امنیت مردم ولی بغی خروج علیه امام عادل می باشد بغی به صورت فردی ممکن نیست اما محاربه هم فردی و هم گروهی صورت می گیرد. توبه محارب پس از دستگیری قبول نمی شود ولی توبه باغی در هر

صورت پذیرفته می شود مجازات محارب انواع چهارگانه حدّ است ولی برای باغی حدّ شرعی وجود ندارد مجازاتش جنگ با آنهاست. در محاربه برای تحقق جرم کشیدن سلاح لازم است اما در بغی چنین چیزی لازم نیست. برای اینکه موارد مذکور اجرا شود نیاز به تاسیس حکومت اسلامی و در رأس آن در زمان معصوم(ع) خود ائمه اطهار و در زمان غیبت آن بزرگواران فقیه عادل می باشد و در غیراینصورت باعث از بین رفتن و تعطیل شدن حدود الهی در جامعه اسلامی می شود و انجام ندادن اوامر آنان در جامعه باعث خروج بر آنها شده لذا جنبه سیاسی گرفته که بسیاری از صاحب نظران بغی را همان جرم سیاسی دانسته اند و در خصوص ارتباط محاربه و بغی و جرم سیاسی اظهار نظر گردیده است. در پایان بلحاظ خلاء ها و مشکلات موجود در بحث قانونگذاری و عدم جرم انگاری برخی عناوین و موضوعات و اجمال و ابهام در قوانین موجود پیشنهاد می گردد که در خصوص محاربه و بغی با توجه به تفاوت این دو از همدیگر قانون شفاف تصویب گردیده تا موجب سوءاستفاده بسیاری از افراد فرصت طلب نگردیده و این خلاء موجب اضرار افراد جامعه اسلامی نشود. کلید واژه های تحقیق عبارتند از محاربه- بغی- حکومت اسلامی- امام عادل- جرم سیاسی.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه

۱	
۲	بیان مسئله
۳	هدف تحقیق
۳	سابقه تحقیق
۴	سوالات تحقیق
۴	فرضیه های تحقیق
۴	روش تحقیق
۵	بخش های اصلی تحقیق

بخش اول : مفاهیم

فصل اول : ۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی

۶	۱-۲ - معنای لغوی محاربه
۹	۱-۳ - معنای لغوی بغی
۱۱	۱-۴ - تعریف اصطلاحی محاربه

۱۴ ۵-۱- تعریف اصطلاحی بغی

۱۵ **فصل دوم : ۱-۲-۱ : مبانی جرم انگاری محاربه و بغی**

۱۵ ۲-۲-۱- فلسفه تاسیس حکومت اسلامی

۲۴ ۳-۲-۱- محاربه و بغی دو خطر برای امنیت جامعه و دین

۳۱ ۴-۲-۱- آثار زیانبار تعطیل شدن اجرای حدود الهی در جامعه از جمله محاربه و بغی

۳۳ ۵-۲-۱- فلسفه مجازات در اسلام

۳۷ **بخش دوم : عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه و بغی**

۳۷ **۱-۲- فصل اول : عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه**

۳۷ ۱-۱-۲- عنصر مادی جرم محاربه

۳۹ ۲-۱-۲- تعداد افراد محارب

۳۹ ۳-۱-۲- مسلمان بودن یا نبودن محارب

۴۰ ۴-۱-۲- مرد یا زن بودن محارب

۴۲ ۵-۱-۲- در شهر یا غیر شهر بودن محاربه

۴۳ ۶-۱-۲- نوع سلاح محارب

۴۸ ۷-۱-۲- عنصر معنوی جرم محاربه

۴۹ ۸-۱-۲- عنصر قانونی جرم محاربه

۵۱ **۲-۲- فصل دوم : عناصر تشکیل دهنده جرم بغی**

۵۱ ۱-۲-۲- عنصر مادی جرم بغی

۵۲ ۲-۲-۲- عنصر معنوی جرم بغی

۵۳ ۳-۲-۲- عنصر قانونی جرم بغی

۵۴ **بخش سوم : وجوه اشتراک و افتراق محاربه و بغی**

۵۴ ۳-۱- **فصل اول : وجوه افتراق**

۵۴ ۳-۱-۱- تفاوت در تعریف

۵۶ ۳-۱-۲- تفاوت در مجازات

۷۰ ۳-۱-۳- تفاوت در تعداد افراد

۷۳ ۳-۱-۴- تفاوت در قصد و نیت

۷۶ ۳-۱-۵- تفاوت در توبه

۷۸ ۳-۱-۶- تفاوت در بکارگیری سلاح

۷۹ ۳-۱-۷- تفاوت به لحاظ دین مرتکب

۸۱ ۳-۱-۸- تفاوت از نظر آیات استنادی

۸۵ ۳-۲- **فصل دوم : وجوه اشتراک محاربه و بغی**

۸۵ ۳-۲-۱- هر دو جرم می باشند

۸۶ ۳-۲-۲- عدم خروج باغی و محارب از اسلام

۸۸ **فصل سوم : ۳-۲-۳- مقایسه جرم سیاسی و رابطه آن با بغی و محاربه**

۸۸ ۳-۳-۲- جرم سیاسی در اسلام

۹۰ ۳-۳-۳- تفاوت و رابطه جرم سیاسی و بغی و محاربه

۱۱۰ جمع بندی و ارائه پیشنهادات

مقدمه :

بشر همواره در طول زندگی خود در معرض وسوسه و بر سر دو راهی انجام خیر یا شر بوده است. خداوند متعال با مبعوث نمودن انبیاء عظام قصد اصلاح بشر را داشته و در طول تاریخ عده ای به ندای انبیا جواب داده ولی عده زیاد دیگری به مخالفت پرداخته اند. لذا یکی از نگرانیهایی که جامعه بشری در طول تاریخ داشته، مسأله امنیت اجتماعی و فردی بوده است که پیوسته از ناحیه ۲ گروه: ۱- دشمنان خارجی ۲- ناراضیان و مخالفان درون حکومت و دشمنان داخلی مورد تهدید بوده است.

با ظهور اسلام به دلیل اهمیت این موضوع و برقراری امنیت و آسایش برای امت اسلامی خداوند متعال صریحاً در آیه ۳۳ سوره مائده و آیه ۹ سوره حجرات عنوان محاربه و بغی را جرم تلقی نموده است. با غصب تدریجی حکومت توسط حکام غاصب و غیراسلامی شدن حاکمیت در جامعه اسلامی، زمینه کمرنگ تر شدن اجرای احکام اسلامی و حدود الهی فراهم شد و به همین دلیل زمینه ارائه تعریف جامع از برخی مجازاتها به خصوص در مورد بغی فراهم نگردید، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن تشکیل و برپایی حکومت فراگیر اسلامی سرآغاز اجرای قوانین شرع انور در این خطه از سرزمین اسلام فراهم گردید و باب مباحث و چگونگی مکانیسم های اجرای احکام مذکور مفتوح و ضرورت های ناشی از استقرار حکومت اسلامی و توجه و امعان نظر به احکامی که به نحوی از انحاء در تامین نظم و امنیت عمومی جامعه نقش محوری و اساسی داشتند که استقرار و استمرار آن حکومت و صیانت از جایگاه منیع و منزلت امام که نقش انکار ناپذیری در آن داشته و موثر در مقام بوده است. همانا پرداختن به جوانب موضوع کسانی که در صدد برپایی قیام علیه حکومت اسلامی بوده اند در فقه از آن به بغی نام

برده شده است، حال با توجه به اهمیت حکومت اسلامی و جایگاه شخص رهبر بعنوان زمامدار و سکان دار امور متاسفانه علیرغم گذشت مدت طولانی از استقرار حکومت اسلامی و اجرایی شدن احکام آن این مهم از منظر و دید قانونگذار مغفول مانده و خصوصاً در رابطه، با بغی در نظام حقوقی، دچار خلاء قانونی شده و استثنائات متفاوت و متهافت از آن می شود. از طرف دیگر با بودن خلاء قانونی، مسئولیت زمامداران و متولیان حکومت در این راستا، بسیار مهم است، آنها وظیفه دارند برای برقراری آرامش و امنیت لازم در اجتماع، از تدابیر لازم استفاده نمایند. افراد شروری که تحت عنوان محارب و باغی امنیت جامعه را به خطر انداخته، و باعث بروز مشکلات و گرفتاریهایی برای افراد جامعه می شوند، با قاطعیت تمام در مقابل این افراد تبهکار، بایستند و با آنان با شدت برخورد نمایند که در این تحقیق سعی شده است با بررسی جرم های محاربه و بغی و تفاوت های آن دو خلاء قانونی در این مورد نشان داده شود تا مد نظر متولیان امر و قانونگذار قرار گرفته و با تصویب قوانین راه گشا از بسیاری از معضلات جلوگیری نمایند.

بیان مسئله : انسان بر حسب طبع و سرشت خویش همواره نیازمند ارضاء تمایلات فطری خویش بوده و هست و برای نیل به تمایلات خویش همواره نیازمند به ارتباط با دیگر هموعان خویش است. به لحاظ همین نیاز انسانها به یکدیگر جوامع بشری شکل یافت و در کنار آن وجود یکسری ارزشها و هنجارهای حاکم مورد اتفاق آنان قرار گرفت و رعایت آن برای همه الزامی گردید و هنجار شکنان مورد بازخواست قرار گرفتند.

جامعه اسلامی نیز به عنوان یکی از جوامع بشری از این قاعده مستثنی نمی باشد لذا بعد از ارسال معجزه ای ماندگار بنام قرآن کریم و تبیین قوانین از طرف خداوند متعال ، حکومت اسلامی تشکیل گردید.

یکی از مواردی که در این کتاب آسمانی آمده است در خصوص جرم محاربه و بغی که در آیات شریفه ۳۳ سوره مبارکه مائده و ۹ سوره حجرات به بیان آن پرداخته است.

طبق اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه مقررات و قوانین موضوعه باید براساس موازین اسلامی باشد و از آنجا که نصوص آیات و روایات مستند احکام فقهی هستند قبل از آنکه رکن قانونی جرم مشخص شود، باید رکن شرعی آنها یعنی آیات و روایاتی که دلیل و ملاک رکن قانونی هستند بررسی شود و سپس حکومت اسلامی با تصویب قانون براساس آن به دنبال مبارزه با ناهنجاری هایی باشد که منطبق بر آن می باشد و سپس آنها را بعنوان جرم معرفی کند و سپس به تعیین مجازات متناسب پردازد.

با توجه به آیات استنادی در این خصوص یک سوال اساسی پیش می آید و آن اینکه آیا جرم محاربه و بغی از نظر مفهومی و ماهوی و شرایط تحقق هر یک در فقه و حقوق کیفری با یکدیگر تفاوتی دارند یا خیر؟ و رابطه این جرائم با جرم سیاسی چگونه است؟ لذا بیان نظرات مختلف در این خصوص و تنوع و تکثر شیوه های ارتکاب جرائم مختلف در عصر حاضر و مقاصد موجود در آنها که گاهی تا سطح براندازی نظام حاکم پیش می رود ضرورت تحقیقات جدی در ارتباط با این موضوعات را ایجاب می نماید.

هدف تحقیق: هدف از این تحقیق از یکسو تبیین فقهی و حقوقی جرائم محاربه و بغی و جرم سیاسی می باشد. از سوی دیگر تنوع و تعدد مصادیق جدید و امکان تسری محاربه و بغی به آنها و تفکیک این دو با یکدیگر هدف تحقیق بوده است.

سابقه تحقیق: با توجه به اینکه از بین ائمه اطهار که حاکمان اصلی جامعه اسلامی بوده اند فقط امیرالمومنین علی علیه السلام مدت کوتاهی توانست تشکیل حکومت بدهد

و در همین مدت کوتاه، دشمنان با براه انداختن ۳ جنگ بزرگ عملاً آن بزرگوار را مشغول جنگ نمودند لذا خیلی از موضوعات و مفاهیم در مقام عمل تبیین نگردیده است. فقهای شیعه نیز به خاطر در اختیار نداشتن حکومت و نداشتن جایگاه حکومتی در بخش چهارم به مباحث مرتبط با این موضوعات پرداخته اند. همین امور باعث شده است که بحث در خصوص عناوین مذکور بخصوص در تدوین قوانین صریح و شفاف و انطباق آن با مصادیق جدید مغفول واقع گردد. لذا در این تحقیق سعی شده در حد امکان ابهامات برطرف گردد.

سوالات تحقیق: با توجه به موضوع تحقیق سوالات متعددی به ذهن متبادر می شود اما نظر به ضرورت انتخاب سوال مهم تر نسبت به سایر سوالات این سوال مطرح می شود که جرم محاربه و بغی از نظر مفهومی و ماهوی و شرایط تحقق هر یک در فقه و قانون چه تفاوتی با یکدیگر دارند.

همچنین به چند سوال فرعی اشاره می کنیم:

۱- آیا راهزن محارب است یا باغی؟

۲- آیا اسلحه کشیدن بر روی یکی از مسئولین نظام عنوان محاربه دارد یا بغی؟

۳- آیا مجازات محاربین و بغات حدی است یا تعزیری؟

فرضیه های تحقیق: ۱- کسانی که برای برهم زدن نظم اسلحه بکشند محارب محسوب می شوند.

۲- کسانی که جهت اخاذی از مردم راه را بر آنها ببندند و بر روی آنها اسلحه بکشند محاربند.

۳- هر مسلمانی که بر امام معصوم (ع) یا امام عادل خروج کند باغی است.

۴- بغی در متون اسلامی بعنوان جرم سیاسی مطرح گردیده است.

۵- از عنوان باغی در قانون مجازات اسلامی ذکری نشده است.

روش تحقیق: روش این تحقیق با توجه به موضوع آن توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای می باشد. به این معنا که پس از جمع آوری مبانی فقهی و حقوقی از منابع معتبر کتابخانه ای، سایت ها، مجلات، ... به مرتب کردن آنها در کنار هم پرداخته و از طریق بررسی براساس کلیات و مبانی فقهی و حقوقی سعی بر این شده است که به بیان

سوالات مطرح شده، پرداخته شود و در نهایت به جمع بندی و نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد شده است.

بخش های اصلی : براساس آنچه بیان شد مطالب این پایان نامه شامل سه بخش و یک نتیجه گیری و جمع بندی نهایی و ارائه پیشنهاد می باشد.

بخش اول : تحت عنوان مفاهیم شامل دو فصل که در آن به بیان و معنای لغوی و اصطلاحی محاربه و بغی و مبانی جرم انگاری آن دو و فلسفه تاسیس حکومت اسلامی و خطر محاربه و بغی برای امنیت جامعه و دین و آثار زیانبار تعطیل شدن حدود الهی و فلسفه مجازات در اسلام بحث گردیده است.

بخش دوم : تحت عنوان عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه و بغی و شامل دو فصل و هر فصل شامل عناصر سه گانه تشکیل دهنده آن دو می باشد.

بخش سوم : تحت عنوان وجوه اشتراک و افتراق محاربه و بغی و شامل سه فصل است. در فصل اول وجوه اشتراک این دو جرم که هر دو جرمند و هر دو جنبه سیاسی دارند مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم وجوه افتراق آن دو با استفاده از کتب فقهی و نظرات فقها و حقوقدانان در این خصوص ذکر گردیده که هشت فرق برای این دو جرم بیان گردیده است.

و در فصل سوم : تحت عنوان مقایسه جرم سیاسی و محاربه و بغی و تعریف جرم سیاسی در اسلام مورد بررسی قرار گرفته شده و همچنین تفاوت و رابطه بغی و جرم سیاسی و محاربه مورد بررسی قرار گرفته و به بیان جرم سیاسی و بغی و ارتباط آن دو اشاره شده و در انتها به جمع بندی و نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد پرداخته شده است.

۱-۲-۱- بخش اول : مفاهیم

فصل اول : ۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی

۱-۲- معنای لغوی محاربه : الف : محاربه : مصدر باب مفاعله که ماضی آن حَارَبَ بر

وزن فاعل از ریشه ثلاثی مجرد حَرَب بمعنای جنگ و مقاتله و غارت است ^(۱)

ب : الْحَرْبُ ضِدُّ السَّلْمِ وَ الْجَمْعُ حُرُوبٌ قَالَ ابُو حَاتَمٍ : لا ادري اشتقاق حرب من الحرب او من الحربو یعنی جنگ ضد صلح است و جمع آن حروب می باشد. ابوحاتم گفته : «نمی دانم حَرَبُ از حَرَب یا از حربوا مشتق شده. ^(۲)

در کتاب التحقيق فی کلمات قرآن کریم آمده : ان الاصل الواحد فی هذه المادة : هو الحده عملاً و هو ما مقابل السلم و يعبر عنه فی الفارسیه بکلمه (ستیزه) و هذا المفهوم اذا استدام و استمر : يعبر عنه بالمحاربه علی مفاعله اصل در این ماده یعنی شدت عمل و در مقابل امنیت و در فارسی به کلمه ستیزه تعبیر شده و این زمانی است که استمرار داشته باشد که به محاربه بر وزن مفاعله تعبیر می شود.

ثم ان الحرب اما بمقصد اتلاف النفس او بمنظور اتلاف المال و الاول يقال فيه المقاتله و الثاني يعبر عنه بسلب المال. و لما كان اهلاک النفس منظوراً اصلياً و مقصوداً فی الاغلب فی المقام المحاربه و يحتاج الی عمل کثیر و مقابله مستدیمه شدیدة يعبر عنه بمطلق الحرب او بالمحاربه ^(۳)

یعنی هدف از محاربه از بین بردن مردم یا اموال آنان است و از اولی تعبیر به کشتار شده و از دومی به گرفتن مال به زور تعبیر شده ولی مقصود اصلی کشتار است لذا نیاز به استمرار و شدت ستیز شده.

ج : در لسان العرب نیز حرب در مقابل سلم قرار داده شده است. ^(۴)

۱- مالوف، لويس، المنجد فی اللغة - چاپ دوم - تهران

۲- مصطفوی حسن - التحقيق فی کلمات القرآن الکریم - ج ۲ - ص ۱۸۳

۳- التحقيق فی کلمات القرآن الکریم - ج ۲ - ص ۱۸۵

۴- ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور الافریق المصری، لسان العرب - ج ۱ - ص ۳۰۲

د : در کنز العرفان آمده است : "اصل الحرب السلب و منه حرب الرجل ماله ای سلبه و فهو محروبٌ و حریب ... " از نظر لغوی حرب بمعنای غارت کردن و جنگ و ستیز آمده است. ^(۱) یعنی اصل حرب از گرفتن است. حرب الرجل ماله یعنی غارت شده مالش یعنی مالش اخذ شده.

راغب اصفهانی در تعریف حرب می گوید : " حرب به معنای تاراج و غارت غنایم در جنگ است چه بسا هر تاراجی حرب نامیده شده است. گفته اند الحرب مشتق از حَرَب به معنای کارزار و ربودن و خشمگین شدن است. قد حُرِبَ یعنی او غارت شد و تحریب یعنی آتش جنگ را افروختن. رجلٌ مُحَرَّبٌ یعنی مرد بسیار جنگجو ، گویی خود ابزار یا وسیله جنگ است.

حربه یعنی خنجر که وسیله معروفی است برای جنگیدن و اصلش بر وزن فَعَلَه از حرب یا حراب است.

گفته اند نامگذاری محراب مسجد برای آن است که جایگاه محاربه و مجاهده با شیطان و هوای نفس است و نیز گفته اند برای این است که شایسته است انسان در آنجا از پریشانی خاطر کنار باشد و با سرگرمی به امور دنیا بستیزد... " ^(۲)

در قاموس قرآن کریم در خصوص کلمه حرب و مشتقات آن چنین آمده :

حرب : جنگ فان لم تفعلوا فاذنوا بحربٍ من ا... و رسوله ... - بقره ۲۷۹ در اذن گذشت که هرگاه اذن با باء متعدی شود بمعنی علم است معنی آیه این است : یقین کنید بجنگ با خدا و رسولش.

۱- جمال الدین مقداد بن عبدالله السیوری (فاضل مقداد) کنز العرفان فی فقه القرآن - ج ۲ - ص ۳۵۰

۲- ابوالقاسم الحسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفه - ج ۱ - ص ۴۶۴

انما جزاء الذين يحاربون الله ورسوله و يسعون في الارض فساداً ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ... "مائده ۳۳" یعنی کسانی که با خدا و رسولش محاربه میکنند و در زمین بفساد میکوشند سزای ایشان فقط این است که کشته شوند و یا بر دار آویخته شوند، یا دست و پایشان بعکس یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند.

محارب در مکتب اهل بیت علیهم السلام کسی است که سلاح بدست گیرد و ناامنی ایجاد کند (یاغی) خواه در شهر باشد یا در خارج آن . همچنین در رابطه با کلمه محراب گفته اند اصل آن از حرب است زیرا که در آنجا با شیطان محاربه می شود.^(۱)

فنادته الملائکه و هو قائم یصلی فی المحراب "آل عمران ۳۹" ملائکه حضرت زکریا را ندا کردند در حالیکه او در محراب ایستاده نماز میخواند.^(۲) و در کتاب العین چنین آمده "الحرب : نقیض السلم . فلان حرب فلان ای یحاربه . و دار الحرب : بلاد المشرکین الذین لاصلح بینهم و بین المسلمین . و حربته تحریباً ای حرشته علی الانسان فاولع به و بعد اوتیه." ^(۳) یعنی حرب ضد صلح است یعنی فلانی با فلانی جنگ کرد. دارالحرب یعنی کشور مشرکان و کافران، کسانی که بین آنها و مسلمانها سازش نیست. حربته یعنی معترض بر او شد و با تمام شدت و عداوت با او برخورد کرد. با توجه به معانی فوق می توان گفت که محاربه از نظر لغوی بمعنی جنگ و مقاتله و غارت اموال می باشد. زیرا با توجه به اعمال مرتکب معنای وسیعی را در بر می گیرد.

۱- قرشی - سیدعلی اکبر - قاموس قرآن

۲- قرآن کریم - سوره آل عمران - آیه ۳۹

۳- فراهیدی - خلیل بن احمد - کتاب العین - ج ۳ - ص ۲۱۴

۱-۳- معنای لغوی بغی :

در کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم آمده : البغی : التعدی و بغی الرجل علی الرجل : استطال و بغی الوادی : ظلم. و کل مجاوزه و افراط علی المقدار الذی هو حد الشی فهو بغی^(۱) بغی یعنی تجاوز کردن و بغی مرد بر مرد یعنی بر او مسلط شد و تجاوز و افراط از حد هر چیزی را بغی گفته.

البغی لغه یطلق علی مجاوزه و علی ظلم و علی الاستعلا و الاستطاله و علی طلب الشی اذا طلبه .^(۲)

بغی از نظر لغوی عبارتست از تجاوز از حد و ظلم و طلب برتری و درخواست شی و در المسالک آمده لغتی است اطلاق می شود بر تجاوز کردن از حد بر ظلم و برتری خواهی و بلند پروازی.^(۳)

صاحب مجمع البحرین بغی را بمعنای فساد کردن و اصل آن را ریشه در حسد ورزیدن می داند و می گوید ستمگر را از آن جهت باغی گفته اند که هر کس حسادت ورزد به ستمگری نیز دست می زند. (بغی علیهم) یعنی شخصی به برتری جویی و تفوق طلبی پرداخت و از حد و اندازه خود تجاوز کرد و نیز (بغی علی الناس) یعنی شخص نسبت به مردم ستم و تعدی کرد.^(۴)

همچنین راغب می گوید : "بغی به معنی تجاوز کردن از حد اعتدال است و به معنای تکبر هم آمده است از جمله در آیه شریفه " و یبغون فی الارض بغیر الحق"^(۱) یعنی در زمین به ناحق سلطه و فساد می جویند که در مورد ستمکاران و تجاوزگران آمده است بنابراین بغی یعنی طلب توأم با تجاوز متها در بعضی موارد این گونه طلب کردن ناپسند نیست بلکه ستوده است مانند گذشتن از عدل به احسان و گذشتن از امور واجب به انجام مستحبات.

۱- مصطفوی حسن - التحقيق فی کلمات القرآن الکریم - ج ۱ - ص ۳۰۸

۲- اصفهانی - راغب - مفردات الفاظ و شهید اول : اللعمه الدمشقیه - ص ۸۹

۳- شهید ثانی - مسالک الافهام - ج ۳ - ص ۹۱

۴- الطریحی - شیخ فخرالدین - مجمع البحرین به تحقیق سید احمد حسینی - جلد دوم - ص ۱۱۵

۵- قرآن کریم - سوره شوری - آیه ۴۲

پس می توان بغی را دو گونه دانست : بغی پسندیده که گذار از عدل به سوی احسان و از واجبات به سوی مستحبات است و بغی ناپسند که تجاوز از حق به سوی باطل یا شبهات است دلیل راغب برای این تقسیم بندی دو آیه از قرآن کریم است. یکی آیه ۲۳ سوره یونس " فلما انجاهم اذا هم یبغون فی الارض بغير الحق " و شوری ۴۲ " انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و یبغون فی الارض بغير الحق " که بغی در آنها با ناحق مقید شده است و این بدان معناست که بغی همیشه ناروا نیست. " (۱)

چنانچه در عبارات بالا و نیز در عبارات ابن اثیر در نهاییه و بیضاوی در ذیل آیه ۲۷ شوری بغی را (طلب توأم با تجاوز) معنا کرده اند بطور کلی در قرآن کریم بغی در چهار وجه (ستمکاری، سرپیچی، حسد بردن، زنا) بکار رفته است. (۲) که همگی حاکی از همان معنی لغوی آمده است که طلب همراه با تجاوز است لذا به زنا از آن جهت بغی گفته اند که یک نوع تجاوز از حد است زیرا حد خدا آن است که کسی زنا نکند. قال الله تعالی : « والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العاودون. » (۳) و کسانی که پاک دامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند. همچنین در سرپیچی کردن سوره یوسف آیه بیست و سوم آمده «انما بغیکم علی انفسکم» و در رابطه با حسد بردن در سوره های آل عمران و شوری در آیات ۱۹ و ۱۴ که «بغیاً بینهم» یعنی حسداً بینهم. با توجه از معانی مختلفی که بیان شد می توان نتیجه گرفت که بغی همان تجاوز از حد اعتدال است.

۱- راغب اصفهانی - واژه بغی - ص ۱۸۵

۲- دامغانی - فقیه - کریم عزیزی نقش - قاموس قرآن - ج ۱ - ص ۹۲ و ۹۳

۳- قرآن کریم - سوره مومنون - آیات ۷